

خرید کتاب های کنکور

با تخفیف ویژه

و

ارسال رایگان

Medabook.com

+



یک جله تماس تلفنی رایگان

با مشاوران رتبه برتر

برای انتخاب بهترین منابع

دبیرستان و کنکور

۰۲۱ ۲۸۴۲۵۲۱۰



فهرست



الدَّرْسُ السَّادِسُ: آتِه ماري شميل

- قواعد: تَرْجَمَةُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ (٢) / ترجمه فعل مضارع (٢) ١٠٦
 ترجمه ١٢
 سؤال‌های امتحانی ٢١
 سؤال‌های چهارگزینه‌ای ٢٥



الدَّرْسُ السَّابِعُ: تَأْتِيرُ اللُّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ عَلَى اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ

- قواعد: مَعَانِي الْأَفْعَالِ النَّاقِصَةِ / معانی افعال ناقصه ٢٨
 ترجمه ٣١
 سؤال‌های امتحانی ٣٩
 سؤال‌های چهارگزینه‌ای ٤٤

آشنایی با برخی افعال فارسی

- ١٤٦
 ١٤٧ خلاصه درس‌ها ٤٧
 ١٥١ مشاوره شب امتحان ٤٠
 ١٥٣ • نمونه امتحان‌های نیم‌سال اول ٤٥
 ١٥٩ • پاسخ‌نامه نمونه امتحان‌های نیم‌سال اول
 ١٦٥ • نمونه امتحان‌های نیم‌سال دوم ٤٨
 ١٧٧ • پاسخ‌نامه نمونه امتحان‌های نیم‌سال دوم ٧٠



الدَّرْسُ الْأَوَّلُ: مِنْ آيَاتِ الْأَخْلَاقِ

- قواعد: اسْمُ التَّفْضِيلِ وَ اسْمُ الْمَكَانِ / اسم تفضیل و اسم مکان ٧
 ترجمه
 سؤال‌های امتحانی
 سؤال‌های چهارگزینه‌ای



الدَّرْسُ الثَّانِي: فِي مَحْضَرِ الْمُعَلِّمِ

- قواعد: اسْلُوبُ الشَّرْطِ وَ آدَوَاتُهُ / اسلوب شرط و ادوات آن ٢٨
 ترجمه ٣١
 سؤال‌های امتحانی ٣٩
 سؤال‌های چهارگزینه‌ای ٤٤



الدَّرْسُ الثَّلَاثُ: عَجَائِبُ الْأَشْجَارِ

- قواعد: الْمَعْرِفَةُ وَ النَّكْرَةُ / معرفه و نکره ٤٧
 ترجمه ٥١
 سؤال‌های امتحانی ٤٠
 سؤال‌های چهارگزینه‌ای ٤٥



الدَّرْسُ الرَّابِعُ: آدَابُ الْكَلَامِ

- قواعد: الْجُمْلَةُ بَعْدَ النَّكْرَةِ / جمله بعد از اسم نکره ٤٨
 ترجمه ٧٠
 سؤال‌های امتحانی ٧٧
 سؤال‌های چهارگزینه‌ای ٨٢



الدَّرْسُ الْخَامِسُ: الْكَيْدُ مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ

- قواعد: تَرْجَمَةُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ (١) / ترجمه فعل مضارع (١) ٨٥
 ترجمه ٨٧
 سؤال‌های امتحانی ٩٦
 سؤال‌های چهارگزینه‌ای ١٠١



آموزش قواعد و مفاهیم درس

معرفه و نکره

در این درس ابتدا با مفهوم اسم‌های معرفه و نکره آشنا خواهید شد و سپس روش ترجمه هر یک از آن‌ها را خواهید آموخت.

معرفه و نکره چیست؟

اسم معرفه به اسمی گفته می‌شود که نزد گوینده و مخاطب (شنونده یا خواننده) شناخته شده باشد؛ مانند: ایران، معلم، قلم و ...
اما اسم نکره اسمی است که نزد گوینده و مخاطب (شنونده یا خواننده) شناخته شده نیست؛ مانند: معلمی، قلمی، مدرسه‌ای و ...

علامت‌های معرفه و نکره در زبان فارسی

در زبان فارسی اسم‌های معرفه هیچ علامتی ندارند؛ مانند: کتاب، خیابان، دانش‌آموز و ...
اما اسم‌های نکره علامت دارند که معمولاً با افزودن پسوند «ی» به اسم معرفه ساخته می‌شوند؛ یعنی:

در فارسی: اسم معرفه + ی ← اسم نکره

مثال:

کتاب + ی ← کتابی
معرفه نکره

(البته اینم بگم که هرگز دری، گردو نیست؛ یعنی هر اسمی رو که تو حرف آفرش «ی» دیدین نباید بگین اون اسم هتماً نکره است؛ چون ممکنه چیز دیگه ای باشه؛ مثلاً وقتی می‌گیم فلانی تهرونی (تهرانی است)، حرف «ی» در تهرونی (تهرانی) نشون دهنده «صفت نسبی» است نه نشون دهنده «اسم نکره»؛ و معنیش اینه که فلانی اهل تهرونه یا اصالتش تهرونیه!)

علامت‌های معرفه و نکره در زبان عربی

در زبان عربی «تنوین َ ِ ً» معمولاً نشانه نکره بودن یک اسم است؛ مانند: کتاب: کتابی / سِتَارَةٌ: خودرویی / طَالِبٌ: دانش‌آموزی
اسم خاص یعنی نام مخصوص کسی یا جایی که در زبان عربی «اسم علم» نامیده می‌شود و همواره معرفه به شمار می‌رود؛ مانند هاشم، مریم، بغداد، لبنان و ...

نکته: اسم‌های خاص (علم) اگر تنوین بگیرند، «نکره» نمی‌شوند و هم‌چنان «معرفه» به شمار می‌روند؛ مانند: مُحَمَّدٌ ← معرفه / عَلِيٌّ ← معرفه / سَعِيدٌ ← معرفه

اسم معرفه در زبان عربی انواعی دارد، ولی مهم‌ترین نوع آن «ال» دار است؛ مانند: الْكِتَابُ، الْكِتَابِ، الْكِتَابِ: کتاب ← معرفه / الْطَّلَابُ، الْطَّلَابِ، الْطَّلَابِ: اَطَّلَابٌ: دانش‌آموزان ← معرفه

پس، از گفته‌های بالا نتیجه می‌گیریم که:

مثال: كَتَبَ: کتاب‌هایی / أَشْجَاراً: درختانی / مَدْرَسِيَّةً: مدرسه‌ای
نکره / نکره / نکره / نکره / نکره / نکره

اسم جنس + «تنوین» ة، ة، ة ← اسم نکره

مثال: عَلِيٌّ: علی / حَامِدٌ: حامد / نَاصِرًا: ناصر
معرفة / معرفة / معرفة / معرفة / معرفة / معرفة

اسم خاص + «تنوین» ة، ة، ة ← اسم معرفة

(می‌فوا) بگم که اگرچه «تنوین» در بیشتر مواقع، علامتِ یه اسمِ نکره است، ولی اینم باید بدونید که هر اصل و قاعده‌ای یه سری استثنائاتی داره که تو این درس هم، استثنائش همون اسم فاضله!

چگونه اسم‌های «نکره» را به فارسی ترجمه کنیم؟

برای ترجمه اسم‌های نکره (تنوین‌دار) - به غیر از اسم‌های خاص - کافی است آن اسم را به فارسی ترجمه کنید و به آخر آن یک پسوند «ی» بیفزایید؛ مانند: مَسْجِدٌ: مسجدی / مَكْتَبَةٌ: کتابخانه‌ای / شَارِعًا: خیابانی
البته باید توجه داشته باشید که اسم نکره در زبان فارسی به سه صورت می‌آید:

❶ با پسوند «ی»: مانند: مردی / دانش‌آموزی
❷ با پیشوند «یک»: و پسوند «ی»: مانند: یک مردی / یک دانش‌آموزی

بنابراین، جمله «جاء طالب» را می‌توان به سه صورت ترجمه کرد: ❶ دانش‌آموزی آمد. ❷ یک دانش‌آموز آمد. ❸ یک دانش‌آموز آمد.

چگونه اسم‌های معرفة («ال» دار) را به فارسی ترجمه کنیم؟

برای ترجمه اسم‌های «ال» دار کافی است که فقط معادل آن اسم را به فارسی بنویسید؛ مانند: الْمَسْجِدُ: مسجد / الْمَكْتَبَةُ: کتابخانه / الشَّارِعُ: خیابان
(فب، از این ساده‌تر دیگه چی می‌فوا؟!)

نکته مهم:

❶ اسم‌های «مثنی» و «جمع مذکر سالم» به این دلیل که هیچ‌گاه تنوین نمی‌پذیرند، اگر «ال» نداشته باشند و به اسم دیگری اضافه نشده باشند، معمولاً آن‌ها را به صورت اسم‌های «نکره» ترجمه می‌کنیم؛

مثال:

مُؤْمِنَانِ: مؤمنانی (دو مؤمنی)
اسم مثنی

مُؤْمِنِينَ: مؤمنانی
جمع مذکر سالم

❷ در جملات اسمیه، «خبر» هرگاه به صورت «اسم نکره» به کار رود، معمولاً به صورت «معرفة» ترجمه می‌شود. ❶ استثناء
(اگه یادتون باشه کمی قبل‌تر هم بپتون گفتم که هر «اصل و قاعده‌ای» معمولاً یه سری استثنائاتی داره؛ یادتون اومد؟! اینم از همون استثنائاته.)

مثال:

هَذَا طَالِبٌ: این، «دانش‌آموز» است.
مبتدا فبیر (نکره) / معرفة

فَرَيْقُنَا فَائِزٌ: تیم ما، «بَرَنده» است.
فبیر (نکره) / معرفة

(در دو مثال بالا، «طَالِبٌ» و «فَائِزٌ» تنوین دارن (نکره هستن) ولی ما اونا رو «معرفة» ترجمه می‌کنیم.)

❸ معدود اعداد در زبان عربی معمولاً «نکره» هستند، اما برخلاف موارد فوق، ما آن‌ها را به صورت «معرفة» ترجمه می‌کنیم. ❶ استثناء

مثال:

تِسْعَةٌ كُتِبَ: نُه کتاب
عدد / معدود (نکره) / معدود (معرفة)

أَحَدٌ عَشَرَ طَالِبًا: یازده دانش‌آموز
عدد / معدود (نکره) / معدود (معرفة)

❹ هیچ‌گاه «ال» و «تنوین» با هم در یک اسم به کار نمی‌روند؛ **مثال:** الْمَعْلَمُ ← درست / مَعْلَمٌ ← درست / الْمَعْلَمُ ← نادرست
(این نکته منو یار یه ضرب المثل میندازه که می‌گه: «غوغا بُود دو پادشَه آنتر ولایتی». فرمایش عَقَب جمله‌ایه‌ها!)

اکنون به جملات زیر و ترجمه آن‌ها دقت کنید:

❶ جَاءَ مَدْرَسٌ: معلمی آمد. / جَاءَ الْمَدْرَسُ: معلّم آمد.
نکره / نکره / معرفة / معرفة

❷ وَجَدْتُ قَلَمًا: قلمی را یافتم. / وَجَدْتُ الْقَلَمَ: قلم را یافتم.
نکره / نکره / معرفة / معرفة

۱- البته آن خبر نکره را به صورت «نکره» نیز می‌توان ترجمه کرد، ولی بسیار کم کاربرد است؛ مثال: هَذَا طَالِبٌ: این «دانش‌آموزی» است.

سَلَّمْتُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ: به مؤمنانی سلام کردم. / سَلَّمْتُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ: به مؤمنان سلام کردم.

رَأَيْتُ بَوْمَةً عَلَى شَجَرَةٍ: جغدی را روی درختی دیدم. / رَأَيْتُ الْبَوْمَةَ عَلَى الشَّجَرَةِ: جغد را روی درخت دیدم.

اسم‌های زیر را براساس قواعد معرفه و نکره به فارسی ترجمه کنید:

(۱) صَفٌّ:	(۲) الصُّفُّ:	(۳) صُفُوفٌ:	(۴) الصُّفُوفُ:
(۵) مُعَلِّمُونَ:	(۶) سَحَابٌ:	(۷) رُسُلًا:	(۸) الْعُلَمَاءُ:
(۹) مَلَابِيسٌ:	(۱۰) مُمَرِّضَاتٌ:	(۱۱) الْمَمَرِّضَاتُ:	(۱۲) الْمَوْظَفَانُ:
(۱۳) الْمُلُوكُ:	(۱۴) مُلُوكًا:	(۱۵) التُّصُوصُ:	(۱۶) نُصُوصٌ:

پاسخ:

(۱) کلاس	(۲) کلاس	(۳) کلاس‌هایی	(۴) کلاس‌ها
(۵) معلمانی، معلم‌هایی	(۶) ابری	(۷) پیامبرانی	(۸) دانشمندان
(۹) لباس‌هایی	(۱۰) پرستارانی (مؤنث)	(۱۱) پرستاران (مؤنث)	(۱۲) کارمندها (دو کارمند)
(۱۳) پادشاهان	(۱۴) پادشاهانی	(۱۵) متون، متن‌ها	(۱۶) متونی، متن‌هایی

یک قاعده مهم ترجمه:

معمولاً هرگاه اسمی به صورت «نکره» در یک جمله به کار رود و همان اسم دوباره همراه «ال» تکرار شود (معرفه بیاید)، می‌توان الف و لام آن اسم را به صورت «این» یا «آن» ترجمه کرد. (فب دیشم منطقیه؛ چون وقتی شما به نغری رو برای اولین بار می‌بینین، اونو نمی‌شناسین و به اصطلاح ادبی، برای شما نکره و ناشناسه، ولی همون آدم رو آگه دوباره ببینیدش، دیگه براتون ناشناس نیست و می‌شناسیدش!)

مثال:

رَأَيْتُ أَفْرَاسًا. كَانَتْ الْأَفْرَاسُ جَنْبَ صَاحِبِهَا. / جَاءَتْ طَالِبَاتٌ. أَنْطَالِبَاتٌ دَخَلْنَ سَاحَةَ الْقَدْرَسَةِ.

اسب‌هایی را دیدم. آن اسب‌ها کنار صاحبشان بودند. / دانش‌آموزانی آمدند. آن دانش‌آموزان وارد حیاط مدرسه شدند.

چگونه ترکیب‌های «وصفی» و «احصافی» عربی را به فارسی ترجمه کنیم؟

الف) ترکیب‌های وصفی

در ترکیب‌های وصفی که از «موصوف» و «صفت» تشکیل شده است، هر دو یا «ال» دارند یا «تنوین». (یعنی هر دو *شون* یا *رومی* یا *زنگی* زنگی!) اگر هر دو «ال» داشته باشند (هر دو معرفه باشند)، کافی است معادل فارسی آن‌ها را بنویسیم؛ مانند:

أَطَالِبُ الْمَجْدُ: دانش‌آموز کوشا / أَطَالِبُ الْمَجْدُونَ: دانش‌آموزان کوشا

دقت داشته باشید که «صفت» عربی (چه مفرد، چه مثنی و چه جمع) همواره در فارسی به صورت «مفرد» ترجمه می‌شود؛ مانند «الْمَجْدُ» و «الْمَجْدُونَ» که در دو مثال قبل، هر دو به صورت «مفرد» ترجمه شده‌اند.

اگر هر دو نکره باشند، در ترجمه فارسی آن‌ها، پسوند «ی» را یا به *موصوف* می‌دهیم یا به *صفت*.

مثال:

طَالِبٌ مَجْدٌ: دانش‌آموز کوشایی، دانش‌آموزی کوشا / طَلَبٌ مَجْدُونَ: دانش‌آموزان کوشایی، دانش‌آموزانی کوشا

هرگاه در یک ترکیب وصفی، «موصوف» یک اسم خاص باشد، معمولاً «ال» نمی‌گیرد، ولی صفت آن «ال» دار به کار می‌رود.

مثال:

إِيرَانٌ الْإِسْلَامِيَّةُ: ایران اسلامی / فِلَسْطِينُ الْمَخْتَلَّةُ: فلسطین اشغالی

۱- گاه با اسم‌هایی مواجه می‌شوید که نه «ال» دارند و نه «تنوین» و نه به اسمی اضافه شده‌اند! این‌گونه اسم‌ها را نیز معمولاً باید نکره ترجمه کنید. (مانند: «مَلَابِيسُ»)

الدَّرْسُ الثَّلَاثُ

ب) ترکیب‌های اضافی

در ترکیب‌های اضافی که از «مضاف» و «مضاف‌الیه» تشکیل شده است، اسم اول یعنی «مضاف»، هیچ‌گاه نه «ال» می‌گیرد و نه «تنوین»؛ بنابراین برای این که بدانید این ترکیب را معرفه ترجمه کنید یا نکره، همیشه به اسم دوم (مضاف‌الیه) نگاه کنید؛ اگر معرفه بود، ترکیب اضافی را به صورت معرفه ترجمه کنید و اگر نکره بود، به صورت نکره. ضمناً، در فارسی مضاف همواره به صورت «معرفه» ترجمه می‌شود.

مثال

کتاب طالب: کتاب دانش آموزی	کتاب الطالب: کتاب دانش آموز
نکره	معرفه
کتاب طالب: کتاب‌های دانش‌آموزانی	کتاب الطالب: کتاب‌های دانش‌آموزان
نکره	معرفه

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ (خودت را بیازمای)

تَرْجِمِ حَسَبَ قَوَاعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَ النَّكِرَةِ.

(براساس قواعد معرفه و نکره ترجمه کن.)

۱- ﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ﴾ التَّوْر: ۳۵

﴿خداوند نور آسمان‌ها و زمین است. مثل نور او همچون چراغ‌دانی است که در آن چراغی است. آن چراغ در شیشه‌ای است، آن شیشه گویبی اختری درخشان است.﴾

۲- ﴿... أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا فَعَصَىٰ فِرْعَوْنَ الرَّسُولَ...﴾ الْأَنْزَمَل: ۱۵ و ۱۶

﴿پیامبری نزد فرعون فرستادیم [ولی] فرعون، آن پیامبر را (از آن پیامبر) نافرمانی کرد.﴾

۳- عَالِمٌ يُنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ، خَيْرٌ مِنَ الْفَاعِلِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

﴿دانشمندی که از دانش او بهره برده شود، بهتر از هزار عابد است.﴾

توضیح: همان‌طور که ملاحظه می‌کنید، «خیر» با این که «نکره» است، به صورت معرفه ترجمه شده است؛ زیرا «خیر» جمله اسمیه است و «عابد» نیز که «نکره» است، به دلیل معدودبودن، به صورت معرفه ترجمه شده است!

واژگان

فعل

حَنَقَ: خفه کرد (مضارع: يَحْنُقُ)

نَبَتَ: رویید (مضارع: يَنْبُتُ)

سَبَبَ: سبب شد (مضارع: يُسَبِّبُ / امر: سَبِّبْ)

نَصَفَ: توصیف می‌کنیم

اسم

أَحْلَلْ: حلال تر، حلال‌ترین ← اسم تفضیل

غاز: گاز

إِشْتَعَالَ: برافروخته شدن، سوختن (ماضی: إِشْتَعَلَ / مضارع: يَشْتَعِلُ)

فَالِقٌ: شکافته ← اسم فاعل

أَطْيَبَ: خوب تر، خوب‌ترین = أَحْسَنَ، أَفْضَلَ ← اسم تفضیل

لَبٌ: مغز میوه

أَغْصَانٌ، عُصُونٌ: شاخه‌ها، «مفرد: عُصْنٌ»

مَحَاصِلٌ: محصولات

إِلْتِفَافٌ: در هم پیچیدن (ماضی: اِلْتَفَّ / مضارع: يَلْتَفُّ)

الْمَحِيْطُ الْهَادِيُّ: اقیانوس آرام

بَدُوْرٌ: دانه‌ها «مفرد: بَدْرٌ»

مَزَارِعٌ: کشاورز = زَارِعٌ، فَلَاحٌ

جَذَعٌ: تنه، «جمع: جَذُوْعٌ»

مُعَمَّرٌ: کهنسال

جَزْرٌ: جزیره‌ها، «مفرد: جَزِيْرَةٌ»

مَلُوْثٌ: آلوده‌کننده ← اسم فاعل

جُوْزَةٌ: دانه گردو، بلوط و مانند آن

مَوَاصِفَاتٌ: ویژگی‌ها

خَانِقٌ: خفه‌کننده ← اسم فاعل

نَوَى: هسته [واحد: أَنْ: نَوَاة]

سِيَاجٌ: پرچین

﴿إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَ التَّوَى يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ مُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ ...﴾ الأنعام: ۹۵

بی‌گمان خدا شکافنده دانه و هسته است. زنده را از مُرده بیرون می‌آورد و بیرون‌آورندهٔ مرده از زنده است.

عَجَائِبُ	الأشجارِ
شگفتی‌های	درختان
شگفتی‌های درختان	

ظَوَاهِرُ	الطَّبِيعَةِ	تَثْبُتُ	حَقِيقَةً وَاحِدَةً	وَ	هِيَ	قُدْرَةٌ	اللَّهِ،	الطَّبِيعَةِ: طبیعت (معرفه)
پدیده‌های	طبیعت	اثبات می‌کند	یک حقیقت [را]	و	آن	قدرت	خدا [است].	حَقِيقَةً: حقیقتی (نکره)
پدیده‌های طبیعت یک حقیقت را اثبات می‌کند و آن قدرت خداوند است.								

وَ	الآنَ	نَصَفُ	بَعْضُ	هَذِهِ	الظَّوَاهِرِ:
و	اکنون (اینک)	وصف می‌کنیم	برخی از	این	پدیده‌ها [را]
[و] اینک برخی از این پدیده‌ها را توصیف می‌کنیم:					

أَلْعِنَبُ	الْبِرَازِيلِيُّ	شَجَرَةٌ	تُخْتَلِفُ	عَن	بَاقِي	أَشْجَارِ	العَالَمِ،	الْبِرَازِيلِيُّ: برزیلی (معرفه)
انگور	برزیلی	درختی [است]	[که] فرق دارد	از	سایر	درختان	جهان	تَوْجَّهٌ: «ی» در برزیلی، یاء نسبت است نه علامت نکره. به این اسم در فارسی، «صفت نسبی» گفته می‌شود.
انگور برزیلی درختی است که با سایر درختان جهان فرق دارد.								

تَنْبُتُ	فِي	الْبِرَازِيلِ،	وَ	تَنْمُو	أَثْمَارُهَا	عَلَى	جِدْعِهَا،
می‌روید	در	برزیل	و	رشد می‌کند	میوه‌های آن (میوه‌هایش)	بر	تنه‌اش
[این درخت] در برزیل می‌روید و میوه‌های آن بر تنه‌اش رشد می‌کند.							

وَ	مِنَ	أَهَمِّ	مَوَاضِعَاتِ	هَذِهِ	الشَّجَرَةِ	أَنَّهَا	تُعْطِي	الشَّجَرَةِ: درخت (معرفه)
و	از	مهم‌ترین	ویژگی‌های	این	درخت	[این است] که آن	می‌دهد	
و از مهم‌ترین ویژگی‌های این درخت این است که								

أَثْمَاراً	طَوَّلَ	السَّنَةِ.
میوه‌هایی	[در] طول	سال
در [تمام] طول سال میوه‌هایی می‌دهد.		

شَجَرَةٌ	السُّكْوِيَا	شَجَرَةٌ	مِنْ	أَطْوَلِ	أَشْجَارِ	العَالَمِ	فِي	كَالِيفُورْنِيَا،	قَدْ
درخت	سکویا	درختی [است]	از	بلندترین	درختان	جهان	در	کالیفرنیا	گاهی
درخت سکویا درختی است که از بلندترین درختان جهان در کالیفرنیا است، گاهی									

الدرس الثالث

يَبْلُغُ	از تَفَاعُ	بَعْضِهَا	أَكْثَرَ	مِنْ	مِئَةَ	مِثْرٍ	وَ
می‌رسد	ارتفاع	برخی از آن‌ها	[به] بیش	از	صد	متر	و

ارتفاع برخی از آن‌ها به بیش از صد متر می‌رسد و

قَدْ	يَبْلُغُ	قَطْرُهَا	تِسْعَةَ	أَمْتَارٍ	وَ	يَزِيدُ	عُمْرَهَا
گاهی	می‌رسد	قطر آن [ها]	[به] نه	متر	و	بالغ [است]، بیش‌تر [است]	عمرش (عمرشان)

گاهی قطر آن [ها] به نه متر می‌رسد و عمرشان تقریباً بالغ بر

عَلَى	ثَلَاثَةِ	آلَافٍ	وَ	خَمْسِمِئَةَ	سَنَةٍ	تَقْرِيْبًا
بر (از)	سه هزار	و		پانصد	سال	تقریباً (حدوداً)

سه هزار و پانصد سال است.

سَنَةٍ: سال
 دَقْتُ کنید که معدود اعداد عربی، وقتی «نکره» هستند، در فارسی به شکل «معرفه» ترجمه می‌شوند!

الشَّجَرَةُ	الخَائِنَةُ	شَجَرَةٌ	تَنْمُو	فِي	بَعْضِ	الْغَابَاتِ	الْإِسْتَوَائِيَّةِ،
درخت	خفه‌کننده	درختی [است]	[که] رشد می‌کند	در	برخی از	جنگل‌های	استوایی

درخت خفه‌کننده، درختی است که در برخی از جنگل‌های استوایی رشد می‌کند،

تَبَدُّأً	حَيَاتِهَا	بِالْإِتْفَافِ	حَوْلَ	جَذَعٍ	شَجَرَةٍ	وَ	عُصُونِهَا،
شروع می‌کند	زندگی‌اش را	با پیچیدن	دور	تنه	درختی (یک درخت)	و	شاخه‌هایش

این درخت [زندگی‌اش را با پیچیدن به دور تنه یک درخت و شاخه‌هایش شروع می‌کند،

ثُمَّ	تَحْنُقُهَا	تَدْرِيجِيًّا	يُوجَدُ	نَوْعٌ	مِنْهَا	فِي	جَزِيرَةٍ
سپس	خفه می‌کند آن را	به تدریج (کم‌کم)	وجود دارد	نوعی	از آن‌ها	در	جزیره

سپس آن را به تدریج خفه می‌کند. نوعی از آن‌ها در جزیره

قِشْمٌ	الَّتِي	تَفَعُّ	فِي	مَحَافِظَةِ	هَرْمَزْجَانَ.
قشم	که	واقع است (قرار دارد)	در	استان	هرمزگان.

قشم که در استان هرمزگان قرار دارد، وجود دارد.

قشم: قشم (معرفه) ← اسم خاص
 هَرْمَزْجَانَ: هرمزگان (معرفه) ← اسم خاص

شَجَرَةٌ	النَّخْبِ	شَجَرَةٌ	اسْتَوَائِيَّةٌ	تَنْمُو	فِي	جَزْرِ	الْمُحِيطِ	الْهَادِي،
درخت	نان	درختی [است]	استوایی	رشد می‌کند	در	جزایر	اقیانوس	آرام

درخت نان درختی استوایی است که در جزایر اقیانوس آرام رشد می‌کند،

تَحْمِلٌ	أَثْمَارًا	فِي	نِهَائِيَّةٍ	أَغْصَانِهَا	كَ	النَّخْبِ.
نگه می‌دارد (با خود دارد)	میوه‌هایی	در	انتهای	شاخه‌هایش	مانند	نان

در انتهای شاخه‌هایش میوه‌هایی دارد [که] مانند نان است.

تَحْمِلٌ: (۱) حمل می‌کند (۲) نگه می‌دارد، با خود دارد

ماجرای من و درسام - عربی ۲

يَأْكُلُ	النَّاسِ	لَبَّ	هَذِهِ	الأثْمَارِ.
می خورد (می خوردند)	مردم	مغز	این	میوه‌ها [را]

مردم مغز این میوه‌ها را می‌خورند.

شَجَرَةٌ النَّفْطِ	شَجَرَةٌ	يَسْتَخْدِمُهَا	الْمُزَارِعُونَ	ك	سِيَاحٍ	حَوْلِ
درخت نفت	درختی [است]	[که] استفاده می‌کنند از آن	کشاورزان	مانند	پُرچینی (یک پُرچین)	اطراف (دور)

درخت نفت، درختی است که کشاورزان از آن مانند یک پُرچین (دیواره‌ای)، اطراف

يَسْتَخْدِمُ: به کار می‌گیرد، به کار می‌برد، استفاده می‌کند

الْمُزَارِعِ	لِ	حِمَايَةٍ	مَحَاصِلِهِمْ	مِنْ	الْخَيْوَانَاتِ؛	لِأَنَّ	رَائِحَةَ
مزرعه‌ها	برای	محافظت کردن	محصولاتشان	از	حیوانات	زیرا	بوی

مزرعه‌ها برای محافظت کردن محصولاتشان از حیوانات، استفاده می‌کنند؛ زیرا

هَذِهِ الشَّجَرَةُ	كَرِيهَةٌ	تَهْرَبُ	مِنْهَا	الْخَيْوَانَاتِ،	وَ	تَحْتَوِي
این درخت	ناپسند [است]	می‌گریزند، فرار می‌کنند	از آن	حیوانات	و	حاوی است

بوی این درخت ناپسند است (بد و نامطبوع است) و حیوانات از آن فرار می‌کنند، و

تَحْتَوِي ... عَلَى ... : ... حاوی ... است

بَدْوَرُهَا	عَلَى	مِقْدَارٍ	مِنْ	الزُّيُوتِ	لَا يَسَبُّبُ	اِشْتِعَالَهَا	خُرُوجِ
دانه‌هایش	-	مقداری	از	روغن‌ها	سبب نمی‌شود (باعث نمی‌شود)	سوختن آن‌ها	خارج شدن

دانه‌هایش حاوی مقداری از روغن‌ها است که سوختن آن‌ها باعث خارج شدن

مِقْدَارٍ: مقداری (نکره)

أَيُّ	غَازَاتٍ مَلَوْتَةٍ.	وَ	يُمْكِنُ	إِنْتَاجِ	النَّفْطِ	مِنْهَا.
هیچ	گازهایی (گازی) آلوده‌کننده	و	ممکن می‌شود (امکان دارد)	تولید	نفت	از آن [ها]

هیچ گاز آلوده‌کننده‌ای نمی‌شود و می‌توان از آن نفت تولید کرد.

أَيُّ: (در ساختار منفی) هیچ

وَ	يُوجَدُ	نَوْعٌ	مِنْهَا	فِي	مَدِينَةٍ	نِيكشهرِ	بِـ
و	وجود دارد	نوعی	از آن	در	شهر	نیکشهر	در

و نوعی از آن به نام درختِ مداد در شهر نیکشهر در

بِـ: در (في)

مَحَافِظَةَ	سِيستان	وَ	بَلُوشِستان	بِـ	اسْمِ	شَجَرَةِ	مِدَادِ.
استان	سیستان	و	بلوچستان	به	نام	درخت	مداد

استان سیستان و بلوچستان وجود دارد.

شَجَرَةُ	الْبَلُوطِ	هِيَ	مِنْ	الأشجارِ	الْمَعْمُورَةِ	وَ	قَدْ
درخت	بلوط	[آن]	از	درختان	کهنسال [است]	و	گاهی

درخت بلوط از درختان کهنسال است و گاهی عمر [این درخت]

الدرس الثالث

تَبْلُغُ	مِنْ	العمر	الْفِي	سَنَةٍ.	تُوجَدُ	غابات جميلة
می‌رسد	از	عمر	[به] دو هزار	سال.	وجود دارد	جنگل‌های زیبای

به دو هزار سال می‌رسد. جنگل‌های زیبایی از آن

غابات جميلة (ترکیب وصفی): جنگل‌های زیبایی، جنگل‌هایی زیبا ← (نکره)

منها	في	محافظة	إيلام و	لرستان.	يُدُونُ	السَّنَجَابِ	بَعْضُ
از آن	در	استان	ایلام و	لرستان	پنهن می‌کند	سنجاب	برخی از

در استان ایلام و لرستان وجود دارد. سنجاب برخی از

جُوزَاتِ البَلُوطِ السَّلِيمَةِ	تَحْتِ	التُّرَابِ،	وَ	قَدْ	يَنْسِي
دانه‌های سالم بلوط [را]	زیر	خاک	و	گاهی	فراموش می‌کند

دانه‌های سالم بلوط را زیر خاک پنهن می‌کند، و گاهی مکان آن‌ها را

مكائنها.	وَ	في	السَّنَةِ	القَادِمَةِ	تَنُمُو	تِلْكَ	الجُوزَةِ	وَ	تَصِيرُ	شَجَرَةً.
مکان آن‌ها [را]	و	در	سال	آینده	رشد می‌کند	آن	دانه	و	می‌شود	یک درخت

فراموش می‌کند. و در سال آینده، آن دانه رشد می‌کند و یک درخت می‌شود.

شَجَرَةً: درختی، یک درخت (نکره)

قَالَ	الإمام	الصادقُ	:	إِزْرَعُوا	وَ	اغْرِسُوا،	...
فرمود	امام	صادق	:	بر او درود باد	[دانه] بکارید	و [نهال] بکارید	

امام صادق عليه السلام فرمود: [دانه] بکارید (کشاورزی کنید) و [نهال] بکارید (درختکاری کنید)، ...

وَ	الله	ما عَمِلَ	النَّاسُ	عَمَلًا	أَحَلَّ	وَ	لا	أَطِيبَ	مِنْهُ.
سوگند	[به] خدا	انجام نداد	(انجام ندادند)	مردم	کاری	حلال‌تر	و	نه	خوب‌تر (بهتر)

به خدا سوگند، مردم کاری حلال‌تر و خوب‌تر از آن انجام ندادند.

عَمَلًا: کاری، عملی (نکره)

صُع في الفراعِ كَلِمَةٌ مُنَاسِبَةٌ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

(در جای خالی، کلمه مناسبی براساس متن درس قرار بده.)

۱- تَبْدَأُ الشَّجَرَةَ الخَانِقَةَ حَيَاتِهَا بِالإِتِفَافِ حَوْلَ جَذْعِ شَجَرَةٍ وَ عَصُونِهَا.

ⓑ (درخت خفه‌کننده، زندگی‌اش را با پیچیدن دور تنه یک درخت (درختی) و شاخه‌هایش شروع می‌کند.)

۲- لا يَسْبَبُ اشْتِعَالَ زُبُوتِ شَجَرَةِ النَّفْطِ خُرُوجَ أَيِّ غَازَاتٍ مَلُوثَةٍ.

ⓑ (سوختن روغن‌های درخت نفت، باعث خارج شدن هیچ گاز آلوده‌کننده‌ای نمی‌شود.)

۳- تَوجَدُ غاباتٌ جَمِيلَةٌ مِن أَشجارِ البَلُوطِ في مَحافظَةِ إيلام وَ لرستان.

ⓑ (جنگل‌های زیبایی از درختان بلوط در استان ایلام و لرستان وجود دارد.)

۴- قَدْ يَبْلُغُ از تَفَاعِ بَعْضِ أَشجارِ السَّكُوبِ أَكْثَرَ مِن مِئَةِ مِترٍ.

ⓑ (گاهی ارتفاع برخی از درختان سکویا به بیش از صد متر می‌رسد.)

۵- تَحْمِلُ شَجَرَةُ الخَبزِ أثماراً في نِهايَةِ أَغصانِها كَالخَبزِ.

ⓑ (درخت نان، در انتهای شاخه‌هایش میوه‌هایی دارد [که] مانند نان است.)

۶- تَنُمُو أثمارِ العِنَبِ البَرزِيلِيِّ عَلى جَذْعِ شَجَرَتِهِ.

ⓑ (میوه‌های انگور برزیلی، بر تنه درختش رشد می‌کند.)

حوار (في الملعب الرياضي)

إسماعيل اسماعيل	گفت وگویی (در ورزشگاه)	إبراهيم ابراهيم
تعال نذهب إلى الملعب.	لِمَشَاهِدَةِ أَيِّ مُبَارَاةٍ؟	بیا بریم به ورزشگاه.
لِمَشَاهِدَةِ مُبَارَاةِ كُرَةِ الْقَدَمِ.	بَيِّنْ مَنْ هَذِهِ الْمُبَارَاةُ؟	برای تماشای چه مسابقه‌ای؟
برای تماشای مسابقه فوتبال.	بَيْنَ فَرِيقِ الصَّدَاقَةِ وَ السَّعَادَةِ.	این مسابقه بین کیاست؟
بین تیم «صداقت» و «سعادت».	أَتَذَكِّرُكَ ذَٰلِكَ؟	الفَرِيقَانِ تَعَادَلَا ^۲ قَبْلَ أُسْبُوعَيْنِ.
اونو به یاد میارم. (اونو یادم میاد).	كِدُومِ يَكُ مِنَ التِّيمِ قَوِيٌّ تَرْنُ؟	دو تیم، دو هفته پیش، مساوی شدن.
كِلَاهُمَا قَوِيَانِ. عَلَيْنَا بِالذَّهَابِ إِلَى الْمَلْعَبِ قَبْلَ أَنْ يَمْتَلِئَ ^۵ بِالْمُتَمَرِّجِينَ؟	أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَقْوَى؟	کدوم یک از تیما قوی ترن؟
هر دو شون قوین. باید به ورزشگاه بریم، قبل از این که از تماشاچیا پر بشه.	عَلَى عَيْنِي. تَعَالِ نَذْهَبْ.	چشم (رو چشم). بیا بریم.
في الملعب در ورزشگاه		
أَنْظُرْ؛ جَاءَ أَحَدُ مِهَاجِمِي فَرِيقِ الصَّدَاقَةِ سَيَسْجِلُ ^۷ هَدْفًا ^۸ .	هُوَ هَجَمَ عَلَى مَرْمِي ^۹ فَرِيقِ السَّعَادَةِ. هَدَفَ، هَدَفَ!	اون به دروازه بان تیم «سعادت» حمله کرد. گل، گل!
نگاه کن؛ یکی از مهاجمان تیم «صداقت» اومد. به گل ثبت خواهد کرد (خواهد زد).	زَيْمًا بِسَبَبِ تَسَلُّلِ ^{۱۱} .	شاید به خاطر آفساید.
لَكِنَّ الْحَكْمَ ^{۱۰} مَا قَبْلَ الْهَدَفِ؛ لِمَاذَا؟	يُعْجَبُنِي ^{۱۲} جَدًّا حَارِسُ مَرْمِي ^{۱۳} فَرِيقِ السَّعَادَةِ!	از دروازه بان تیم «سعادت» خیلی خوشم میاد.
ولی داور، گل رو قبول نکرد؛ چرا؟	مَنْ يَسْجِلُ هَدْفًا يَذْهَبُ إِلَى النَّهَائِيِّ.	هر کس به گل ثبت کنه (به گل بزنه)، به فینال می ره.
انظر، هجمة قوية من جانب لاعب فريق الصداقة.	كَيْ بِيَهْ فَيُنَالُ مِيْرَهُ؟	کي به فینال می ره؟
نگاه کن؛ به حمله قوی از طرف بازیکن تیم «صداقت».	الْحَكْمُ يَضْفِرُ.	داور سوت می زنه.
انظر، هجمة قوية من جانب لاعب فريق الصداقة.	لَقَدْ تَعَادَلَا مَرَّةً ثَانِيَةً بِلَا هَدَفٍ.	دوباره بدون گل، مساوی شدن.



۲- تعادل: برابر شد

۴- كلا: هر دو

۶- المتفرج: تماشاچی

۸- الهدف: گل

۱۰- الحكم: داور

۱۲- يعجبني: مرا در شگفت می آورد، خوشم می آید (ماضي: أعجب / مضارع: يعجب)

۱- المباراة: مسابقه

۳- أتذكرك: به یاد می آورم

۵- أن يمتلئ: که پر شود

۷- سيسجل: ثبت خواهد کرد

۹- المرمى: دروازه

۱۱- التسلسل: آفساید

۱۳- حارس المرمى: دروازه بان

الدَّرْسُ الثَّلَاثُ

قُدْرَةٌ	قُوَّةٌ	الْأَشْجَارُ	النباتات	يَبْلُغُ	يَصِلُ إِلَى
قدرت	قدرت	درختان	گیاهان	می‌رسد [به]	می‌رسد [به]
تَنْبُتٌ	تَنْمُو	السَّنَةُ	العام	عُصُونٌ	أَغْصَانٌ
می‌روید (رشد می‌کند)	رشد می‌کند (می‌روید)	سال	سال	شاخه‌ها	شاخه‌ها
حَيَاةٌ	عَيْشٌ	إِزْرَعُوا	إِغْرَسُوا	جَمِيلَةٌ	رَائِعَةٌ
زندگی	زندگی	بکارید	بکارید	زیبا	زیبا، جالب
بُدُورٌ	جَوَزَاتٌ	تَصْبِيحٌ	تَضْبِيحٌ	أَطْيَبٌ	أَحْسَنُ، أَفْضَلُ
دانه‌ها	دانه‌ها	می‌شود	می‌شود	بهتر، بهترین	بهتر، بهترین

مترادف

تُعْطِي	تَأْخُذُ	يَذْفِنُ	يَكْشِفُ	تَهْرَبُ	تَعُودُ
می‌دهد	می‌گیرد	پنهان می‌کند	آشکار می‌کند	می‌گریزد	باز می‌گردد
جَمِيلَةٌ	قَبِيحَةٌ	حَيَاةٌ	مَوْتٌ	يُنْسِي	يَتَذَكَّرُ
زیبا	زشت	زندگی	مرگ	فراموش می‌کند	به یاد می‌آورد
أَطْوَلُ	أَقْصَرُ	تَحْتُ	فَوْقُ		
بلندتر، بلندترین	کوتاه‌تر، کوتاه‌ترین	زیر	روی، بالای		

متضاد

ظَوَاهِرٌ	آلَافٌ	الْمَزَارِعُ	مَحَاصِلٌ	أَشْجَارٌ	أَنْمَارٌ
ظاهر (پدیده)	آلف (هزار)	المزارع (مزرعه، کشتزار)	محاصيل (محصول)	الأشجار (درخت)	انمار (تفر میوه)
				عَجَائِبٌ	أَمْتَارٌ
				عجائب (شگفت‌انگیز، عجیب)	امتار (متر (متر))
				أَغْصَانٌ	
				أغصان (شاخه)	

جمع مکسر

الْتِمَارِين

الْتِمَارِينُ الْأَوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

(کدام کلمه از کلمات واژه‌نامه درس، با توضیحات زیر هماهنگی دارد؟)

- بَحْرٌ يُعَادِلُ ثَلَاثَ الْأَرْضِ تَقْرِيْبًا. أَلْحَبِيطُ الْهَادِي (اقیانوس آرام) (دریایی است که تقریباً معادل $\frac{1}{3}$ زمین است).
- الْتَجَمُّعُ وَ الدَّوْرَانُ حَوْلَ شَيْءٍ. الْإِنْتِفَافُ (در هم پیچیدن) (جمع شدن و گردش پیرامون چیزی).
- الَّذِي يُعْطِيهِ اللهُ عُمْرًا طَوِيلًا. مُعَمَّرٌ (کهنسال) (کسی که خداوند به او عمری طولانی می‌بخشد).
- الَّذِي يَعْْمَلُ فِي الْمَزْرَعَةِ. مَزَارِعٌ (کشاورز) (کسی که در مزرعه کار می‌کند).
- صِفَاتٌ أَحَدٌ أَوْ شَيْءٍ. مُوَاصِفَاتٌ (ویژگی‌ها) (صفات کسی یا چیزی).

الْتِمَارِينُ الثَّانِي: تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ النَّبَوِيَّةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْهَا.

(احادیث نبوی را ترجمه کن، سپس [مواردی را که] از تو خواسته شده، مشخص کن.)

- 1- مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَزْرَعُ زَرْعًا أَوْ يَغْرِسُ غَرْسًا^{بازو مهرور} فَيَأْكُلُ مِنْهُ طَيْرٌ أَوْ إِنْسَانٌ أَوْ بَهِيمَةٌ إِلَّا كَانَتْ لَهُ^{بازو مهرور} بِهِ صَدَقَةٌ. رَسُولُ اللهِ ﷺ (الْجَارُ وَ الْمَجْرُورُ، وَ اسْمُ الْفَاعِلِ)^{بازو مهرور}

هیچ مسلمانی نیست که زرع (کشتی) را بکارد یا نهالی بکارد و از آن پرنده‌ای یا انسانی یا چهارپایی (حیوانی) بخورد، مگر این که به وسیله آن برای او صدقه‌ای بوده است (می‌باشد). رسول خدا ﷺ

2- غَرْسٌ: نِهَالٌ

1- ما مِنْ: هیچ ... نیست

ماجرهای من و درسام - عربی ۲

۲- ما مِنْ رَجُلٍ يَغْرُسُ غَرْسًا إِلَّا كَتَبَ اللهُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ قَدْرَ مَا يَخْرُجُ مِنْ تَمَرِ ذَلِكَ الْغَرْسِ. رَسُولُ اللهِ ﷺ (أَلْفَعَلَ الْمَاضِي وَ الْمَفْعُولِ)

هیچ مردی نیست که نهالی بکارد، مگر این که خداوند برای او به اندازه میوه آن نهال پاداش می نویسد. رسول خدا ﷺ

۳- سَيَلَّ النَّبِيُّ ﷺ أَيُّ الْمَالِ خَيْرٌ؟ قَالَ: زَرَعٌ، زَرَعَهُ صَاحِبُهُ. (أَلْفَعَلَ الْمَجْهُولِ، وَ الْفَاعِلِ)

از پیامبر ﷺ سؤال شد: کدام مال بهتر است؟ فرمود: کشتی که صاحبش آن را کاشته است (بکارد).

الْتَمَرِينُ الثَّالِثُ: أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ الثَّلَاثَةِ حَسَبَ الصُّوَرِ.

(براساس تصاویر، به سؤالات زیر پاسخ بده.)



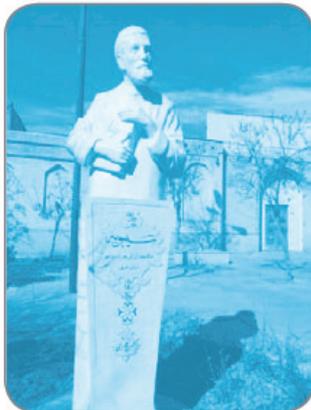
فِي أَيِّ بِلَادٍ تَقَعُ هَذِهِ الْأَهْرَامُ؟ (این هرمها در چه کشوری است واقع است، قرار دارد؟)

تَقَعُ هَذِهِ الْأَهْرَامُ فِي بِلَادِ مِصْرَ. (این هرمها در کشور مصر است.)



يَمْ يَذْهَبُ الطُّلَابُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ؟ (دانش آموزان با چه چیزی به مدرسه می روند؟)

يَذْهَبُ الطُّلَابُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ بِحَافِلَةِ مَدْرَسِيَّةٍ. (دانش آموزان با اتوبوس مدرسه، به مدرسه می روند.)



لِمَنْ هَذَا التَّمْثَالُ؟ (این تندیس برای چه کسی است؟)

هَذَا التَّمْثَالُ لِسَيِّوَيْهِ. (این تندیس، برای سیبویه است.)



كَيْفَ الْجَوُّ فِي أَرْدَبِيلِ فِي الشِّتَاءِ؟ (هوا در اردبیل در زمستان چه طور است؟)

الْجَوُّ فِي أَرْدَبِيلِ بَارِدٌ جَدًّا. (هوا در اردبیل بسیار سرد است.)



مَاذَا تَشَاهِدُ فَوْقَ النَّهْرِ؟ (روی رودخانه چه چیزی می بینی؟)

أَشَاهِدُ بَيْتًا خَشَبِيًّا فَوْقَ النَّهْرِ. (یک خانه چوبی روی رودخانه می بینم.)



هَلْ تَشَاهِدُ وَجْهًا فِي الصُّورَةِ؟ (آیا در تصویر، چهره ای می بینی؟)

نَعَمْ، أَشَاهِدُ وَجْهًا فِيهَا. (بله، در آن چهره ای می بینم.)

الدَّرْسُ الثَّلَاثُ

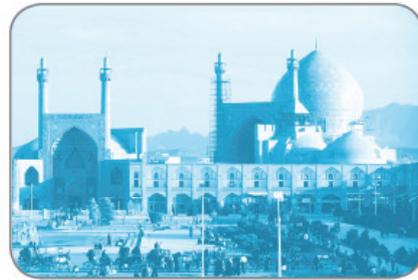
التَّعْرِيفُ الرَّابِعُ: أَلِف: عَيَّنِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَ النَّكْرَةِ.

(ترجمه درست را براساس قواعد معرفه و نکره، مشخص کن.)

- | | | |
|--------------------------------|--|---|
| 1- سَمِعْتُ صَوْتًا عَجِيبًا. | <input checked="" type="checkbox"/> صدای عجیبی را شنیدم. | <input type="checkbox"/> صدای عجیب را شنیدم. |
| 2- وَصَلْتُ إِلَى الْقَرْيَةِ. | <input type="checkbox"/> به روستایی رسیدم. | <input checked="" type="checkbox"/> به روستا رسیدم. |
| 3- نَظَرْتُ إِلَى الْمَاضِي. | <input checked="" type="checkbox"/> نگاهی به گذشته | <input type="checkbox"/> نگاه به گذشته |
| 4- أَلْعِبَادُ الصَّالِحُونَ | <input type="checkbox"/> بندگان درستکار | <input checked="" type="checkbox"/> بندگان درستکار |
| 5- أَلَسَّوَاذُ الْعَتِيقِ | <input checked="" type="checkbox"/> دستبند کهنه | <input type="checkbox"/> دستبندی کهنه |
| 6- أَلتَّارِيخُ الذَّهَبِيُّ | <input type="checkbox"/> تاریخی زرین | <input checked="" type="checkbox"/> تاریخ زرین |

ب: تَرَجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَ النَّكْرَةِ. ثُمَّ عَيِّنِ الْمَعْرِفَةَ وَ النَّكْرَةَ فِي مَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِخَطِّ.

(جمله‌های زیر را براساس قواعد معرفه و نکره ترجمه کن، سپس معرفه و نکره را در کلماتی که زیرشان خط کشیده شده است، مشخص کن.)



سَجَلَتْ مُنْظَمَةُ الْيُونِسْكَو مَسْجِدَ الْإِمَامِ وَ قَبَّةَ كَابُوسٍ فِي قَائِمَةِ التُّرَاثِ الْعَالَمِيِّ!

معرفه (اسم فاعل) معرفه

سازمان یونسکو، مسجد امام و گنبد کابوس را در لیست میراث جهانی ثبت کرد.



حَدِيقَةُ شَاهَزَادَه قُرْبَ كِرْمَانِ جَنَّةٌ فِي الصَّحْرَاءِ.

نکره

باغ شاهزاده، نزدیک کرمان، بهشتی در صحرا است.

نکره

قَبْرُ كُورُوشِ يَجْذِبُ سَيَّاحًا مِنْ دَوْلِ الْعَالَمِ.

نکره

آرامگاه کوروش، گردشگرانی را از کشورهای جهان جذب می‌کند.

نکره



مَعْبَدٌ كُرْدْغَلَا فِي مَحَافِظَةِ مَازَنْدَرَانِ أَحَدُ الْأَثَارِ الْقَدِيمَةِ.

معرفه (اسم فاعل)

معبد (پرستشگاه) کُرْدْغَلَا در استان مازندران، یکی از آثار باستانی است.

معرفه

توجه: کلمه «قابوس» یک اسم خاص است، بنابراین با وجود داشتن تنوین، هم‌چنان «معرفه» به شمار می‌رود!



1- قَائِمَةُ التُّرَاثِ الْعَالَمِيِّ: لِيَسْتِ مِيرَاثِ جِهَانِي

التمرین الخامس: عین الکلیمه الصحیحه حسب الفعل الماضي.
(کلمه درست را براساس فعل ماضی، مشخص کن.)

الفعل الماضي	الفعل المضارع	فعل الامر	المضدز	اسم الفاعل
وافق	<input checked="" type="checkbox"/> يوافق	<input checked="" type="checkbox"/> وافق	<input type="checkbox"/> التوفيق	<input checked="" type="checkbox"/> الموافق
	<input type="checkbox"/> يوفق	<input type="checkbox"/> وقق	<input checked="" type="checkbox"/> الموافقة	<input type="checkbox"/> الموفق
تقرب	<input type="checkbox"/> يتقرب	<input type="checkbox"/> قرب	<input checked="" type="checkbox"/> التقرب	<input type="checkbox"/> المقرب
	<input checked="" type="checkbox"/> يتقرب	<input checked="" type="checkbox"/> تقرب	<input type="checkbox"/> التقريب	<input checked="" type="checkbox"/> المتقرب
تعارف	<input type="checkbox"/> يتعارف	<input checked="" type="checkbox"/> تعارف	<input type="checkbox"/> المعارفة	<input checked="" type="checkbox"/> المتعارف
	<input checked="" type="checkbox"/> يتعارف	<input type="checkbox"/> اغرف	<input checked="" type="checkbox"/> التعارف	<input type="checkbox"/> المعرف
اشتغل	<input type="checkbox"/> ينشغل	<input checked="" type="checkbox"/> اشتغل	<input type="checkbox"/> الانشغال	<input checked="" type="checkbox"/> المشتغل
	<input checked="" type="checkbox"/> يشتغل	<input type="checkbox"/> انشغل	<input checked="" type="checkbox"/> الاشتغال	<input type="checkbox"/> المنشغل
انفتح	<input type="checkbox"/> يفتتح	<input checked="" type="checkbox"/> انفتح	<input type="checkbox"/> الافتتاح	<input type="checkbox"/> المنفتح
	<input checked="" type="checkbox"/> يفتتح	<input type="checkbox"/> تفتح	<input checked="" type="checkbox"/> الافتتاح	<input checked="" type="checkbox"/> المنفتح
استرجع	<input checked="" type="checkbox"/> يسترجع	<input checked="" type="checkbox"/> استرجع	<input type="checkbox"/> الاسترجاع	<input checked="" type="checkbox"/> المسترجع
	<input type="checkbox"/> يترجع	<input type="checkbox"/> راجع	<input checked="" type="checkbox"/> الاسترجاع	<input type="checkbox"/> المرجع
نزل	<input type="checkbox"/> ينزل	<input type="checkbox"/> انزل	<input type="checkbox"/> النزول	<input checked="" type="checkbox"/> المنزل
	<input checked="" type="checkbox"/> ينزل	<input checked="" type="checkbox"/> نزل	<input checked="" type="checkbox"/> التنزيل	<input type="checkbox"/> النازل
اكرم	<input checked="" type="checkbox"/> يكرم	<input checked="" type="checkbox"/> اكرم	<input checked="" type="checkbox"/> الاكرام	<input type="checkbox"/> الاكرم
	<input type="checkbox"/> يكرم	<input type="checkbox"/> كرم	<input type="checkbox"/> التكريم	<input checked="" type="checkbox"/> المكرم

البحث العلمي «پژوهش علمی»

■ ابحاث عن نص حول اهمية زراعة الأشجار.
(دنبال متنی پیرامون اهمیت درختکاری بگرد.)

سؤال های امتحانی

سؤال های ترجمه محور

۱- اِنْتَجِبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ لِمَا تَحْتَهُ حَطًّا.

(الف) الشَّجَرَةُ الْخَائِفَةُ شَجَرَةٌ تَنْمُو فِي بَعْضِ الْغَابَاتِ الْاِسْتَوَائِيَّةِ. (پوشاننده - خفه کننده - بلند)
(ب) وَ اللهُ مَا عَمِلَ النَّاسُ عَمَلًا اَحَلَّ وَ لَا اَطْيَبَ مِنْهُ. (زیباتر - حلال تر - خوب تر)

۲- اَكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مَناسِبَةً حَسَبَ الْمَعْنَى.

(الف) شَجَرَةُ الْبَلُوطِ فِي اِيْلَامِ وَ لُرِسْتَانِ. (جُزُر - جُوزَرَة - مَحَافِظَة)
(ب) عَالِمٌ يَنْتَفِعُ بِعِلْمِهِ مِنْ اَلْفِ عَابِدٍ. (حَيْر - اَسْفَل - اَسْرَع)

۳- عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ.

(الف) تَرَاب شَجَرَة غَضَن جِذَع
(ب) اَحْسَن اَحْضَر اَطْيَب اَفْضَل

۴- عَيِّنِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ.

(۱) بی شک خدا رشدهنده دانه و هسته است.

﴿إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَ النَّوَى﴾

(۲) بی گمان خدا شکافنده دانه و هسته است.

۵- عَيِّنِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَ النَّكِرَةِ.

(۱) گازهای آلوده کننده

(الف) غازات مَلَوُوثَةٌ

(۲) گازهای آلوده کننده

(۱) درختان کهنسال

(ب) الْأَشْجَارُ الْمَعْمَرَةُ

(۲) درختانی کهنسال

۶- عَيِّنِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ.

(۱) درخت نان درختی استوایی است که در جزیره های اقیانوس آرام رشد می کند.

(الف) شَجَرَةُ الْخُبْزِ شَجَرَةٌ اِسْتَوَائِيَّةٌ تَنْمُو فِي جَزْرِ الْمَحِيطِ الْهَادِيءِ.

(۲) درخت نان درختی استوایی است که در جنگل های اقیانوس اطلس رشد می کند.

(۱) کشاورزها آن را برای حفظ محصولاتشان از حیوانات، چون دیواری دور مزارع استفاده می کنند.

(ب) يَسْتَخْدِمُهَا الْمَزَارِعُونَ كَسِيَاجٍ حَوْلَ الْمَزَارِعِ لِجَمَاعَةِ مَحَاصِلِهِمْ مِنْ الْحَيَوَانَاتِ.

(۲) کشاورزها برای حفظ محصولاتشان از حیوانات، دیواری دور مزارعشان می کشند.

۷- كَمِّلْ تَرْجَمَةَ الْعِبَارَتَيْنِ التَّالِيَتَيْنِ.

جنگل هایی زیبا از

(الف) تَوْجَدُ غَابَاتٍ جَمِيلَةً مِنْهَا فِي مَحَافِظَةِ اِيْلَامِ وَ لُرِسْتَانِ.

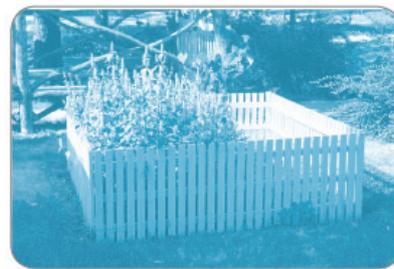
گاهی عمر درخت بلوط به

(ب) قَدْ تَبَلَّغَ شَجَرَةُ الْبَلُوطِ مِنْ الْعُمُرِ اَلْفِي سَنَةٍ.

۸- اَكْتُبِ اسْمَ كُلِّ صُورَةٍ فِي الْفَرَاغِ.



(ب) يَعْمَلُ فِي الْمَزْرَعَةِ.



(الف) هُنَاكَ حَوْلَ الْمَزْرَعَةِ.

۹- تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ.

- (الف) ظَوَاهِرُ الطَّبِيعَةِ تُثَبِّتُ حَقِيقَةً وَاحِدَةً وَ هِيَ قُدْرَةُ اللَّهِ.
 (ب) مِنْ أَهَمِّ مَوَاصِفَاتِ هَذِهِ الشَّجَرَةِ أَنَّهَا تَعْطِي أَثْمَارًا طَوَّلَ السَّنَةِ.
 (ج) قَدْ يَبْلُغُ ازْتِفَاعُ بَعْضِهَا أَكْثَرَ مِنْ مِئَةِ مِترٍ.
 ۱۰- أَكْتُبِ الْمَفْرَدَ أَوْ الْجَمْعَ لِلْأَسْمَاءِ التَّالِيَةِ.

(الف) أَغْصَانٌ مَفْرَدٌ (ب) جِذَعٌ جَمْعٌ (ج) بَذْرٌ جَمْعٌ

۱۱- ضَعْ عَلَامَةَ الْمُتْرَادِفِ أَوْ الْمُتَضَادِّ فِي مَكَانِهِ الْمُنَاسِبِ. (=) (≠)

- غَيْمٌ سَحَابٌ
 فَوْحٌ خَزِينٌ
 جَاهِزٌ حَاضِرٌ
 ظِلَامٌ ضِيَاءٌ
 إِحْسَانٌ إِسَاءَةٌ
 مِنْ فَضْلِكَ زَجَاءٌ
 يَنْبُوعٌ عَيْنٌ
 عِدَاوَةٌ صَدَاقَةٌ

۱۲- ضَعْ فِي الْمُرْتَبِعِ الْحَرْفَ الْمُنَاسِبِ. (كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ).

- (الف) رَائِحَةُ كَرِيهَةٌ
 (ب) شَجَرَةُ الْبُلُوطِ
 (ج) الْخُبُوبُ
 (د) الْتُرَابُ
 (ه) عَيْنٌ الْجَفَلَةُ الصَّحِيحَةُ وَ غَيْرُ الصَّحِيحَةِ حَسَبِ الْحَقِيقَةِ.
 (الف) يَذْفُنُ السُّنْجَابُ بَعْضَ جُزْأَتِ الْبُلُوطِ السَّلِيمَةِ تَحْتَ التُّرَابِ .
 (ب) يُفَكِّنُ شِرَاءَ الشَّرِيحَةِ مِنْ إِدَارَةِ الْإِتِّصَالَاتِ .
 ۱۴- أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ الْمُعْجَمِ تَنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ؟
 (الف) الَّذِي يَرِاقِبُ مَرْمَى كُرَةِ الْقَدَمِ. (حَارِسُ الْمَرْمَى - زَارِعُ الْمَرْزَعَةِ - الْمَشَاغِبِ)
 (ب) الَّذِي يَشَاهِدُ الْمُبَارَاةَ فِي الْمَلْعَبِ. (الْمَوْطَفُ - الْمَتَفَرِّجُ - الْمَرِافِقُ)
 ۱۵- عَيِّنِ الْفَارِسِيَّةَ الْمُنَاسِبَةَ لِلْعِبَارَةِ الْعَرَبِيَّةِ.

- (الف) ﴿فَمَنْ اغْتَدَى بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ هر آن که تخم بدی کشت و چشم نیکی داشت / دماغ بیهدده پخت و خیال باطل بست
 (ب) ﴿وَمَنْ يَغْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾ نمائد ستمکار بد روزگار / بماند برو لعنت پایدار

سؤالهای قاعده محور

۱۶- عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الصَّحِيحَةَ حَسَبِ الْفِعْلِ الْمَاضِي.

إِسْمُ الْفَاعِلِ	الْمُقَدَّرُ	فِعْلُ الْأَمْرِ	الْفِعْلُ الْمَضَارِعُ	الْفِعْلُ الْمَاضِي
<input type="checkbox"/> مُخْرِجٌ	<input type="checkbox"/> خُرُوجٌ	<input type="checkbox"/> أَخْرِجْ	<input type="checkbox"/> يُخْرِجُ	(الف) أَخْرَجَ
<input type="checkbox"/> خَارِجٌ	<input type="checkbox"/> إِخْرَاجٌ	<input type="checkbox"/> إِخْرِجْ	<input type="checkbox"/> يَخْرِجُ	(ب) إِسْتَحْدَمَ
<input type="checkbox"/> مُسْتَحْدِمٌ	<input type="checkbox"/> إِسْتِحْدَامٌ	<input type="checkbox"/> اسْتَحْدِمْ	<input type="checkbox"/> يَسْتَحْدِمُ	
<input type="checkbox"/> مُسْتَحْدَمٌ	<input type="checkbox"/> مُخَادَمَةٌ	<input type="checkbox"/> خَادِمٌ	<input type="checkbox"/> يُسْتَحْدِمُ	

۱۷- أَكْتُبِ إِعْرَابَ الْكَلِمَاتِ الْمَلُونَةِ فِي الْعِبَارَاتِ.

- (الف) تَحْمِلُ شَجَرَةُ الْخُبْزِ أَثْمَارًا فِي نَهَايَةِ أَغْصَانِهَا كَالْخُبْزِ.
 (ب) الْفَرِيقَانِ تَعَادَلَا قَبْلَ أَشْبُوعَيْنِ.

۱۸- عَيِّنِ الْمَفْعُولَ وَ الْمُبْتَدَأَ وَ الْخَبَرَ فِي الْعِبَارَاتِ.

- (الف) ﴿أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ﴾
 (ب) جَمَالَ الْمَرْءِ فَصَاحَةٌ لِسَانِهِ.

الدرس الثالث

١٩- عَيِّنِ الْفِعْلَ الَّذِي لَا يَنَاسِبُ الْأَفْعَالَ الْأُخْرَى فِي النَّوعِ.

- (الف) قَدْ كَانُوا كَانَا يَغْسِلَانِ كَانَتْ تَصَدَّقَانِ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ
 (ب) لَا تَتَعَجَّبُوا لَا تُخَيِّرُ لَا يَسْكُنُونَ لَا تُنْقِدُوا

٢٠- اِنتَخِبِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ.

- (الف) اِسْمُ الْمَعْرِفَةِ: مَدْرَسٌ أَفْرَاسٌ جَعْفَرٌ
 (ب) اِسْمُ النِّكَرَةِ: نُوْرٌ مُحَمَّدٌ عَلِيٌّ
 (ج) اِسْمُ الْإِشَارَةِ: هُنَاكَ هُنَّ هُمْ
 (د) الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ: حَمَلَتْ يَحْمِلُ تُحْمَلُ
 (هـ) الْفِعْلُ الْمُسْتَقْبَلُ: نَسْكُتُ سَحَبَ سَيَسْبَبُ

سؤال های فهم و درک مطلب

٢١- أَجِبْ عَنِ السُّؤَالَيْنِ التَّالِيَيْنِ.



(ب) كَمْ كِتَاباً تَرَى فِي الصُّورَةِ؟



(الف) فِي أَيِّ مَدِينَةٍ إِيرَانَ تَقَعُ هَذِهِ الصُّورَةُ؟

٢٢- صُغِّ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. (كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ).

الْخَائِقَةُ - السَّنَجَابُ - الطَّوَاهِرُ - جَمِيلَةٌ

(الف) وَ الْآنَ نَصِفُ بَعْضَ

(ب) يَذْفِنُ بَعْضَ جُوزَاتِ الْبَلُوطِ السَّلِيمَةِ تَحْتَ الثَّرَابِ.

(ج) تَوْجَدُ غَابَاتٍ مِنْ شَجَرَةِ الْبَلُوطِ فِي مَحَافِظَةِ إِيلَامِ وَ لُرِسْتَانَ.

٢٣- نَظِّمِ الْكَلِمَاتِ غَيْرَ الْمُنَظَّمَةِ.

اللَّاعِبُ - يَسْجَلُ - سَوْفَ - هَدَفًا

٢٤- اِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ.

شَجَرَةُ الْبَلُوطِ هِيَ مِنَ الْأَشْجَارِ الْمَعْمَرَةِ وَ قَدْ تَبَلَّغَ مِنَ الْعُمُرِ الْفَنِيِّ سَنَةً. تَوْجَدُ غَابَاتٍ جَمِيلَةً مِنْهَا فِي مَحَافِظَةِ إِيلَامِ وَ لُرِسْتَانَ. يَذْفِنُ السَّنَجَابُ بَعْضَ جُوزَاتِ الْبَلُوطِ السَّلِيمَةِ تَحْتَ الثَّرَابِ، وَ قَدْ يَنْسَى مَكَانَهَا. وَ فِي السَّنَةِ الْقَادِمَةِ تَنْمُو تِلْكَ الْجَوْزَةُ وَ تُصِيرُ شَجَرَةً.

(الف) أَيَّنْ يَذْفِنُ السَّنَجَابُ بَعْضَ الْجُوزَاتِ؟

(ب) مَتَى تَنْمُو الْجَوْزَةُ وَ مَاذَا تُصِيرُ؟

(ج) عَيِّنِ الْأَسْمَاءَ الَّتِي تَكُونُ جَمْعاً.

پاسخ سؤال‌های امتحانی

ب) از مهم‌ترین ویژگی‌های این درخت این است که در طول سال میوه‌هایی می‌دهد.

ج) گاهی بلندی برخی از آن‌ها به بیشتر از صد متر می‌رسد.

۱۰- مفرد یا جمع اسم‌های زیر را بنویس.

الف) أَعْصَانُ **مفرد** (شاخه)

ب) جِذَعٌ **جمع** (تنه‌ها)

ج) بُذُرٌ **جمع** (دانه‌ها)

۱۱- علامت مترادف یا متضاد را در مکان مناسب قرار بده.

عَيْمٌ = سَحَابٌ (ابر) فَرَحٌ (شاد) = حَزِينٌ (غمگین)

جَاهِزٌ = حَاضِرٌ (آماده) مِنْ فَضْلِكَ = رِجَاءٌ (لطفاً)

ظِلَامٌ (تاریکی) = ضِيَاءٌ (روشنایی) يَنْبُوعٌ = عَيْنٌ (چشمه)

إِحْسَانٌ (نیکی کردن) = إِسَاءَةٌ (بدی کردن)

عِدَاوَةٌ (دشمنی) = صَدَاقَةٌ (دوستی)

۱۲- در مربع، حرف مناسب را قرار بده. (یک کلمه اضافی است.)

الف) رَائِحَةٌ كَرِيهَةٌ تَهْرُبُ مِنْهَا الْحَيَوَانَاتُ. (بوی بدی که حیوانات از آن فرار می‌کنند.)

ب) شَجَرَةُ الْبُلُوطِ هِيَ مِنَ الْأَشْجَارِ الْمَعْمَرَةِ. (درخت بلوط از درختان کهنسال است.)

ج) الْأَخْبُوبُ بُدُورٌ يَنْشُرُهَا الْمُرَارِعُ فِي الْمُرْزَعَةِ. (دانه‌ها، بذرهایی هستند که کشاورز آن‌ها را در مزرعه پخش می‌کند.)

د) الثَّرَابُ: خَاكٌ / واژه اضافی است.

۱۳- جمله درست و نادرست را براساس واقعیت، مشخص کن.

الف) سنجاب بعضی از دانه‌های سالم بلوط را زیر خاک پنهان می‌کند. (درست)

ب) خرید سیم کارت از ادارهٔ مخابرات امکان دارد. (درست)

۱۴- کدام کلمه از کلمات واژه‌نامه با توضیحات هماهنگی دارد؟

الف) حَارِسُ الْمُرْمَى / الَّذِي يَرَاقِبُ مَرْمَى كُرَةِ الْقَدَمِ. (دروازه‌بان - کشاورز مزرعه - اخلاکگر) (دروازه‌بان کسی است که از دروازه فوتبال محافظت می‌کند.)

ب) الْمُتَفَرِّجُ / الَّذِي يَشَاهِدُ الْمُبَارَاةَ فِي الْمَلْعَبِ. (کارمند - تماشاچی - همراه) (تماشاچی کسی است که مسابقه را در ورزشگاه مشاهده می‌کند.)

۱۵- فارسی مناسب عبارت عربی را مشخص کن.

الف) ﴿فَمَنْ اعْتَدَى بِعَدْوٍ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ (هر کس بعد از آن ستم کند، پس عذاب دردناکی دارد.) ← نماند ستمکار بد روزگار / بماند برو لعنت پایدار

ب) ﴿وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾ (و هر کس به اندازهٔ مثقال ذره‌ای کار بد انجام دهد، [سزای] آن را می‌بیند.) ← هر آن که

۱- ترجمهٔ درست کلمه‌ای را که زیر آن خط کشیده شده، انتخاب کن.

الف) درخت خفه‌کننده درختی است که در برخی از جنگل‌های الخَائِقَةُ

استوایی رشد می‌کند.

ب) سوگند به خدا، مردم کاری حلال‌تر و خوب‌تر از آن انجام نداده‌اند. أَطْيَبُ

۲- در جای خالی یک کلمه مناسب براساس معنی بنویس.

الف) شَجَرَةُ الْبُلُوطِ فِي مَحَافِظَةِ إِيلَامٍ وَ لُرِسْتَانِ. (جزیره‌ها - دانه (گردو، بلوط و ...) - استان) (درخت بلوط در استان ایلام و لرستان است.)

ب) عَالِمٌ يَنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ خَيْرٌ مِنَ أَلْفِ عَابِدٍ. (بهتر است - پایین‌تر - سریع‌تر) (دانشمندی که از علم او سود برده می‌شود، از هزار عابد بهتر است.)

۳- کلمه بیگانه را در هر مجموعه مشخص کن.

الف) خاک درخت شاخه تنه

ب) نیکوتر سبز خوب‌تر بهتر

۴- ترجمهٔ درست را مشخص کن.

گزینهٔ ۲؛ فَالِقٌ: شکافنده

۵- ترجمهٔ درست را براساس قواعد معرفه و نکره، مشخص کن.

الف) گزینهٔ «۱»: غَازَاتٌ مَلُؤْتَةٌ: گازهایی آلوده‌کننده (هر دو اسم، «نکره» هستند.)

ب) گزینهٔ «۱»: الْأَشْجَارُ الْمَعْمَرَةُ: درختان کهنسال (هر دو اسم، «معرفه» هستند.)

۶- پاسخ درست را مشخص کن.

الف) گزینهٔ «۱»: جَزْرُ الْمَحِيْطِ الْهَادِي: جزیره‌های اقیانوس آرام

ب) گزینهٔ «۱»: كِسِيَاجٍ: چون دیواری / يَسْتَخْدِمُ: استفاده می‌کند. (در این جمله) استفاده می‌کنند

۷- ترجمهٔ عبارت‌های زیر را کامل کن.

الف) جنگل‌هایی زیبا از آن در استان ایلام و لرستان وجود دارد.

ب) گاهی عمر درخت بلوط به دو هزار سال می‌رسد.

۸- نام هر تصویر را در جای خالی بنویس.

الف) هُنَاكَ سِيَاجٌ حَوْلَ الْمُرْزَعَةِ. (دیواری دور مزرعه وجود دارد.)

ب) الْمُرَارِعُ يَغْمَلُ فِي الْمُرْزَعَةِ. (کشاورز در مزرعه کار می‌کند.)

۹- عبارت‌های زیر را به فارسی ترجمه کن.

الف) پدیده‌های طبیعت یک حقیقت را اثبات می‌کند و آن، قدرت خدا است.

الدَّرْسُ الثَّالِثُ

ب) چند کتاب در تصویر می‌بینی؟ أَرَى فِي الصُّورَةِ سَبْعَةَ كُتُبٍ. (در تصویر، هفت کتاب می‌بینم.)

۲۲- در جای خالی یک کلمه مناسب از کلمات زیر قرار بده. (یک کلمه اضافی است.)

الف) وَ الْآنَ نَصِفُ بَعْضَ الظُّوَاهِرِ. (و اکنون برخی از پدیده‌ها را شرح می‌دهیم.)

ب) يَذِفُن السَّنَجَابَ بَعْضُ جُوزَاتِ الْبُلُوطِ السَّلِيمَةِ تَحْتِ الثَّرَابِ. (سنجاب بعضی از دانه‌های سالم بلوط را زیر خاک پنهان می‌کند.)

ج) تُوجَدُ غَابَاتٌ جَمِيلَةٌ مِنْ شَجَرَةِ الْبُلُوطِ فِي مُحَافَظَةِ إِيلَامِ وَ لُرِسْتَانِ. (جنگل‌هایی زیبا از درخت بلوط در استان ایلام و لرستان وجود دارد.)

توجه واژه «الْخَائِقَةُ» به معنی «خفه‌کننده» اضافی است.

۲۳- کلمات نامرتب را مرتب کن.

الْأَعِيبُ سَوْفَ يَسْجَلُ هَدَفًا / سَوْفَ يَسْجَلُ اللَّاعِبُ هَدَفًا: بازیکن گلی را ثبت خواهد کرد.

۲۴- متن زیر را بخوان، سپس به پرسش‌ها پاسخ بده.

ترجمه متن:

«درخت بلوط از درختان کهنسال است و گاهی عمر [آن] به دو هزار سال می‌رسد. جنگل‌های زیبایی از آن در استان ایلام و لرستان وجود دارد. سنجاب بعضی از دانه‌های سالم بلوط را زیر خاک پنهان می‌کند و گاهی محل [پنهان کردن] آن‌ها را فراموش می‌کند و در سال آینده، آن دانه رشد می‌کند و درختی می‌شود.»

الف) سنجاب بعضی از دانه‌های [بلوط] را کجا پنهان می‌کند؟ يَذِفُن السَّنَجَابَ بَعْضَ جُوزَاتِ الْبُلُوطِ تَحْتِ الثَّرَابِ. (سنجاب بعضی از دانه‌های بلوط را زیر خاک پنهان می‌کند.)

ب) چه زمانی دانه بلوط رشد می‌کند و چه می‌شود؟ تَنْمُو الْجُوزَةُ فِي السَّنَةِ الْقَادِمَةِ وَ تُصِيرُ شَجَرَةً. (دانه بلوط در سال آینده رشد می‌کند و درختی می‌شود.)

ج) اسم‌هایی که در متن به صورت جمع به کار رفته است: الْأَشْجَارُ: جمع مکسر «مفردش: الشَّجَر» / غَابَاتُ: جمع مؤنث سالم «مفردش: غَابَةٌ» / جُوزَاتُ: جمع مؤنث سالم «مفردش: جُوزَةٌ».

تخم بدی کاشت و چشم نیکی داشت / دماغ بیهده پخت و خیال باطل بست

۱۶- کلمه درست را براساس فعل ماضی مشخص کن.

الف) أَخْرَجَ (ماضی) - يُخْرِجُ (مضارع) - أَخْرَجَ (امر) - إِخْرَاجَ (مصدر) - مُخْرَجَ (اسم فاعل)

ب) اسْتَحْدَمَ (ماضی) - يَسْتَحْدِمُ (مضارع) - اسْتَحْدِمُ (امر) - اسْتَحْدَامَ (مصدر) - مُسْتَحْدِمَ (اسم فاعل)

۱۷- نقش کلمات رنگی را در عبارت‌ها بنویس.

الف) تَحْمِلُ شَجَرَةُ الْخُبْزِ أَثْمَارًا فِي نِهَآيَةِ أَغْصَانِهَا كَالْخُبْزِ.

فَاعِل مَفْعُول

ب) الْفَرِيقَانِ تَعَادَلَا قَبْلَ أُسْبُوعَيْنِ.

مِبتدأ مَفْعُولِ مَهْذُوفِ إِلَيْهِ

۱۸- مفعول، مبتدا و خبر را در عبارت‌ها مشخص کن.

الف) ﴿أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ﴾

مَفْعُول مَفْعُول

ب) جَمَالَ الْمَرْءُ فَصَاحَةً لِسَانِهِ.

مِبتدأ فِعْل

۱۹- فعلی را که با فعل‌های دیگر در نوع هماهنگ نیست، مشخص کن.

الف) فعل «قَدْ + ماضی = قَدْ كَانُوا» ماضی نقلی و بقیه فعل‌ها ماضی استمراری «كَانَ + مضارع» هستند.

ب) فعل «لَا يَسْكُنُونَ» مضارع منفی و بقیه فعل‌ها، فعل نهی هستند.

۲۰- پاسخ درست را انتخاب کن.

- | | | |
|--|--|---|
| الف) <input type="checkbox"/> نکره | <input type="checkbox"/> نکره | <input checked="" type="checkbox"/> معرفه (اسم خاص) |
| ب) <input checked="" type="checkbox"/> نکره | <input type="checkbox"/> معرفه (اسم خاص) | <input type="checkbox"/> معرفه (اسم خاص) |
| ج) <input checked="" type="checkbox"/> اسم اشاره | <input type="checkbox"/> ضمیر | <input type="checkbox"/> ضمیر |
| د) <input type="checkbox"/> ماضی معلوم | <input type="checkbox"/> مضارع معلوم | <input checked="" type="checkbox"/> مضارع مجهول |
| ه) <input type="checkbox"/> مضارع | <input type="checkbox"/> ماضی | <input checked="" type="checkbox"/> مستقبل |

۲۱- به دو پرسش زیر پاسخ بده.

الف) این تصویر در کدام شهر قرار دارد؟ تَقَعُ هَذِهِ الصُّورَةُ فِي مَدِينَةِ إِصْفَهَانَ. (این تصویر در شهر اصفهان قرار دارد.)

سؤال‌های چهارگزینه‌ای

عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجَمَةِ: (۱ - ۴)

۱- ﴿إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْخَبِّ وَ النَّوَى يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ﴾

۱) قطعاً خداوند شکافنده هسته و دانه است و مُردگان را با زنده‌ها محشور می‌سازد.

۲) قطعاً خداوند شکافنده دانه و هسته است که زنده را از مُرده بیرون می‌آورد.

۳) بی‌گمان خداوند رشدهنده هسته و دانه است و زنده را از مُرده بیرون می‌آورد.

۴) بی‌گمان خداوند رشدهنده دانه و هسته است و مردگان را با زنده‌ها محشور می‌سازد.

۲- «رَائِحَةُ الشَّجَرَةِ كَرِيهَةٌ تَهْرَبُ مِنْهَا الْحَيَوَانَاتُ وَ تَحْتَوِي بَدْوَرَهَا عَلَى مِقْدَارٍ مِنَ الرُّبُوبِ.»

۱) بوی درخت ناخوشایند است که حیوانات از آن فرار می‌کنند و دانه‌های آن حاوی مقداری روغن است.

۲) بوی درخت ناپسند است و حیوانات از آن بیزارند و دانه‌های آن حاوی کمی از روغن است.

۳) بوی درخت ناخوشایند است و حیوانات زیادی از آن فرار می‌کنند و دانه‌های آن حاوی روغن است.

۴) بوی درختان ناپسند است که حیوانات از آن بیزارند و دانه روغنی از آن استخراج کردند.

-۳-

۱) مِنْ أَهَمِّ مُوَاصِفَاتِ هَذِهِ الشَّجَرَةِ: از ویژگی‌های مهم این درخت،

۲) أَنَّهَا تُغَطِّيْ أَمْثَاراً طَوَّلَ السَّنَةِ: این است که در طول سال میوه می‌دهد،

۳) تَبْدَأُ حَيَاتَهَا بِالْإِتِّفَافِ حَوْلَ جِذْعِ شَجَرَتِهَا: زندگی خود را با پیچیدن دور تنه درختی شروع می‌کند،

۴) ثُمَّ تَحْتَفِقُهَا تَدْرِيجِيًّا: سپس آن را به تدریج می‌میراند.

-۴-

۱) يَأْكُلُ النَّاسُ لَبَّ هَذِهِ الْأَمْثَارِ: مردم، مغز این میوه را خواهند خورد.

۲) يَسْتَخْدِمُهَا الْمُرَارِعُونَ كَسِيَاحٍ: کشاورزان از آن مانند یک دشت استفاده می‌کنند.

۳) يَمَكِّنُ إِتْنَاجَ النَّفْطِ مِنْهَا: در تولید نفت از آن استفاده می‌شود.

۴) قَدْ يَنْسَى الْإِنْسَانُ نَفْسَهُ: گاهی انسان خودش را فراموش می‌کند.

عَيْنِ الْخَطَأِ: (۵ - ۶)

-۵-

۱) الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوَّكَبٌ دُرِّيٌّ: شیشه، گویی که آن ستاره‌ای درخشان است.

۲) لَقَدْ تَعَادَلَا مَرَّةً ثَانِيَةً بِلَا هَدَفٍ: برای بار دوم بی‌هدف شکل گرفته است.

۳) رُبَّمَا يَسْبَبُ تَسَلُّلُ: چه بسا به خاطر آفساید است.

۴) يَمْتَلِي الْمَلْعَبُ بِالْمَتَمَرِّجِينَ: ورزشگاه با تماشاچیان پر می‌شود.

-۶-

۱) سئِلَ النَّبِيُّ ﷺ: پیامبر ﷺ پرسید:

۲) زُرْعَ زَرْعَةِ صَاحِبَةٍ: کشتی که صاحبش آن را بکازد.

۳) سَجَلَتْ مُنْتَظَمَةَ الْيُونِسْكَو: سازمان یونسکو ثبت کرد.

۴) مَسْجِدُ الْإِمَامِ فِي قَائِمَةِ التَّرَاثِ الْعَالَمِيِّ: مسجد امام در لیست میراث جهانی است.

۷- فِي أَيِّ عِبَارَةٍ جَاءَتْ النِّكَرَةُ.

۲) عَلِيٌّ مَعَ الْحَقِّ وَ الْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ.

۱) جَزِيرَةٌ قِشْمٌ تَقَعُ فِي مُحَافِظَةِ هَرْمُزْجَان.

۴) الْأَشْجَارُ الْعَجِيبَةُ مِنْ هَذِهِ الطَّوَاهِرِ وَ الْآنَ نَصِفُ بَعْضَهَا.

۳) شَجَرَةُ السُّكُوبَا شَجَرَةٌ مِنْ أَطْوَلِ أَشْجَارِ الْعَالَمِ.

الدرس الثالث

٨- الألفاظ

١) كَلَامٌ حَفِيٌّ بَيْنَ شَخْصَيْنِ.

٣) رَأْيٌ لِحَلِّ مُشْكِلةٍ.

٩- في أيِّ عِبَارَةٍ جَاءَ اسْمُ الْفَاعِلِ وَ الْفِعْلُ الْمُضَارِعُ مَعاً.

١) مَا مِنْ رَجُلٍ يَغْرِسُ غَرْساً إِلَّا كَتَبَ اللهُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ.

٣) ﴿أَرْسَلْنَا إِلَى فِرْعَوْنَ رَسُولًا فَعَصَى فِرْعَوْنَ الرَّسُولَ﴾

١٠- عَيِّنِ الْعِبَارَةَ الَّتِي فِيهَا التَّكْرَارُ.

١) هُوَ أَعْلَمُ بِسَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ.

٣) إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ.

٢) طَرُحَ سُؤَالَ صَغْبٍ.

٤) أَلْتَجَمَّعُ وَ الدَّوْرَانُ حَوْلَ شَيْءٍ.

٢) زُرْعٌ، زُرْعَةٌ صَاحِبَةٌ.

٤) مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَزْرَعُ زَرْعاً إِلَّا كَانَتْ لَهُ بِهِ صَدَقَةٌ.

٢) لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلُ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ.

٤) أَلْتَنَابِزُ تَسْمِيَةٌ الْأَخْرَيْنِ بِالأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ.



پاسخ سؤال‌های چهارگزینه‌ای

- ۱- گزینه «۲» فالِق: شکافنده / الحَبِّ وَ النَّوَى: دانه و هسته /
 النَّحْيِ مِنَ الْمَيِّتِ: زنده از مُرده
- ۲- گزینه «۱» رَائِحَةُ الشَّجَرَةِ: بوی درخت / تَهَرَّبَ: فرار می‌کنند / بُدُوْرُهَا: دانه‌های آن / تَحْتَوِي عَلَيَّ: حاوی
- ۳- گزینه «۳» ترجمه درست سایر گزینه‌ها:
 (۱) از مهم‌ترین ویژگی‌های این درخت
 (۲) این است که در طول سال میوه‌هایی می‌دهد.
 (۴) سپس به تدریج آن را خفه می‌کند.
- ۴- گزینه «۴» ترجمه درست سایر گزینه‌ها:
 (۱) مردم، مغز این میوه‌ها را می‌خورند.
 (۲) کشاورزان از آن مانند یک پرچین استفاده می‌کنند.
 (۳) تولید نفت از آن [ها] امکان دارد.
- ۵- گزینه «۲» ترجمه درست: دوباره بدون کُل برابر شده‌اند.
- ۶- گزینه «۱» ترجمه درست: از پیامبر ﷺ پرسیده شد.
- ۷- گزینه «۳» بررسی گزینه‌ها:
 (۱) اسم‌های «جَزِيْرَة، قِشْم، مُحَافِظَة، هَرْمَزْجَان» معرفه هستند.
 برخی اسم‌های خاص هستند (قِشْم، هَرْمَزْجَان) و برخی چون به اسم خاص اضافه شده‌اند، معرفه‌اند (جَزِيْرَة، مُحَافِظَة).
 (۲) اسم‌های «عَلِيّ، مَع، الْحَقُّ» معرفه‌اند، برخی «أَل» دارند (الْحَقُّ)، برخی اسم خاص هستند (عَلِيّ) و برخی مضاف به معرفه شده‌اند (مَع).
 (۳) اسم «شَجَرَة» نکره است و بقیه اسم‌ها معرفه هستند: شَجَرَة، السُّكُوْبَا، أَطْوَل، أَشْجَار، الْعَالَمِ.
 (۴) اسم‌های «الْأَشْجَار، الْعَجِيْبَة، هَذِهِ، الظَّوَاهِرِ، الْآنَ، بَعْضُ، هَا» معرفه‌اند.
- نکته** (بیشتر بدانیم) اسم‌های معرفه عبارت‌اند از:
 (۱) اسم‌های خاص: عَلِيّ، فاطمة، بهزاد، دماوند، طهران، اصفهان
 (۲) ضمیرها: هُوَ، هِمْ، هِي، ...
 (۳) اسم‌های اشاره: هَذَا، هَذِهِ، ذَلِكَ، تِلْكَ، هُوَلاءِ، ...
 (۴) اسم‌های ال‌دار: الْكِتَاب، الْقُرْآن، الرَّسُول، الْبَيْت
 (۵) اسم‌هایی که به یکی از معرفه‌های چهارگانه بالا مضاف شود:
- کتاب + الله ← کتاب الله
 نکره معرفه اسم مضاف به الله (معرفه) اسم خاص (معرفه)
- ۸- گزینه «۴» «در هم پیچیدن» (الْإلتِفَاف)، جمع‌شدن و پیچیدن دور چیزی است.
 ترجمه سایر گزینه‌ها:
 (۱) سخنی پنهان، میان دو شخص است.
 (۲) طرح پرستی سخت است.
 (۳) نظری برای حل مشکلی است.
- ۹- گزینه «۴» بررسی گزینه‌ها:
 (۱) فعل مضارع وجود دارد (يغرس)، ولی اسم فاعل وجود ندارد.
 (۲) اسم فاعل وجود دارد (صاحب)، ولی فعل مضارع وجود ندارد.
 (۳) فعل مضارع و اسم فاعلی وجود ندارد.
 (۴) هم اسم فاعل وجود دارد (مسلم) و هم فعل مضارع (يَزْرَع).
- ۱۰- گزینه «۲» بررسی گزینه‌ها:
 (۱) در این گزینه یک اسم نکره وجود دارد (أَعْلَمَ).
 (۲) در این گزینه دو اسم نکره وجود دارد (شَيْءٌ، أَنْقَلَ).
 (۳) در این گزینه اسم نکره‌ای وجود ندارد.
 (۴) در این گزینه اسم نکره‌ای وجود ندارد.